

Reflection of work culture in Gilan popular literature; Looking at Gilaki proverbs*

Javad Nazari Moghaddam¹ 

Abstract

1. Introduction

Culture and language are deeply related. Language, whether spoken, written, or visual, can better reflect origins and cultures than any other element. In order to get a true picture of the culture of work in Iranian society and to judge the accuracy of the claim of some experts that there is a weakness of work culture in Iranian society as an undesirable historical heritage, the study of popular culture and literature is important. Given the relationship between language and culture, the cultural characteristics of society should be reflected in the language and the popular culture and the literature of society. Proverbs, as one of the most important elements of popular literature, can to a large extent represent the culture and values governing the society throughout history.

Studying how work culture is represented in the popular literature of different local cultures can be an important step in developing

* Article history:

Received 14 September 2021

Received in revised form 19 December 2021

Journal of Iranian Studies, 21(41), 2022

Accepted 9 January 2022

Published online: 28 June 2022

Publisher: Shahid Bahonar University of Kerman



© The Author(s).

1. Assistant Professor, Institute of Gilan studies, University of Gilan, Rasht, Iran. Email: j.nazaris@gmail.com

research in the field of anthropology and sociology of literature. Therefore, in this research, an attempt will be made to study and study the components related to cultural work in Gilan culture. The issue of this research is how to represent work culture in Gilaki proverbs.

2. Methodology

This paper is a descriptive and analytical study in which an attempt is made to refer to a part of the folk culture heritage of Gilan using content analysis method reflecting the work culture in Gilaki proverbs. Content analysis refers to any inferential method used regularly, objectively, and determining the characteristics of messages. After examining about 3070 Gilaki proverbs of East and West and the center of Gilan, 142 Gilaki-related cases related to work culture were extracted. In order to gain an understanding of the content of semantically ambiguous proverbs, an attempt was made to use several people familiar with the Gilaki dialect throughout the research process. Moreover, in this research, each of the proverbs were taken as one content unit. Subsequently, examples with common themes were placed under specific categories.

3. Discussion

Today, in development programs, the element of culture is more and more considered to the extent that cultural development is introduced as a factor in the movement and dynamism of society beyond development and economics. One of the most important factors in the development of any society is the existence of an efficient cultural work and human resources. If we consider culture as a set of values, norms and belief systems of a society, then we can say that cultural work is in fact a set of common values and beliefs of a group or work organization or an economic community in performing productive and service activities. Work culture is a set of

internalized, desirable and appropriate behaviors in employees that is necessary for the development and success of the organization. According to Giddens (1994), work culture is a set of values and norms that members of a group have and follow.

People's views on work, commitment and work consciousness, discipline, criticism, teamwork and cooperation and consultation in work, appreciation, looking at wealth, individualism, rationalism, responsibility, risk-taking and foresight, hard work are among the most important components in cultural work. In addition to the above, observance of work divisions and organizational issues, rational thinking in doing things, educatbility, saving on substance use, flexibility, interest and attachment to work, observance of occupational health and safety, use of new technologies are other components of work culture.

Since work culture is one of the signifiant factors of growth and development in any society, most experts introduce the training of human resources and its optimal use as one of the indicators of growth and development of societies. When the work culture in a society is weak, it means that there is no desire to work productively, hence the activities will be less effective. Some studies in Iran emphasize the weakness of work culture in Iranian society. On the other hand, most of the researches emphasize the lack of positive values related to work in the culture and temperament of the Iranian society throughout history believing that laziness, tendency to destiny, irresponsibility and the lack of collective spirit along with other negative characteristics are the most visible obstacles to the development of Iranian society. Proverbs as a part of popular culture and literature can be a reflection of the culture of a society.

4. Conclusion

After repeated readings of the proverbs, major categories related to work culture were extracted. The value of work and effort, attention to

بازتاب فرهنگ کار ادبیات عامه گیلان؛ با نگاهی بر ضرب‌المثل‌های گیلکی*

جواد نظری مقدم^۱

چکیده

ضرب‌المثل‌ها به مثابه بخش مهمی از فرهنگ عامه، نمایانده فرهنگ و شخصیت جوامع مختلف هستند. وجود فرهنگ کار در هر جامعه‌ای یکی از مهمترین مولفه‌های تأثیرگذار در توسعه می‌تواند باشد. بخش قابل توجهی از پژوهش‌ها در ایران ضعف فرهنگ کار در ایران را یکی از مهمترین موانع توسعه معرفی می‌کنند. هدف این پژوهش بررسی چگونگی بازتاب فرهنگ کار در فرهنگ عامه مردم گیلان با رویکردی توصیفی تحلیلی با استفاده از تحلیل محتوای ضرب‌المثل‌های گیلکی است. بدین منظور تعداد ۳۰۷۰ ضرب‌المثل مورد بررسی و خوانش قرار گرفت. در ادامه، مثل‌های مورد بررسی، ذیل ۱۰ مقوله دسته‌بندی و مورد تحلیل قرار گرفتند. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد ارزش کار و تلاش، توجه به تخصص، مهارت و تجربه، مشارکت و کار جمعی، فردگرایی خوداتکایی، تقدیرگرایی، دوراندیشی و آینده‌نگری، عنصر زمان و نظم و قاعده در کار، ارزش ثروت، رضایتمندی از کار از جمله مهمترین مؤلفه‌های مربوط به کار هستند که در ضرب‌المثل‌های گیلکی بازتاب پیدا کرده‌اند. بررسی فراوانی مقوله‌ها حاکی از وجود نگرش مثبت نسبت به کار در فرهنگ عامه گیلان است.

* تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۰/۰۶/۲۳ تاریخ ویرایش نهایی مقاله: ۱۴۰۰/۰۹/۲۸ تاریخ پذیرش نهایی مقاله: ۱۴۰۰/۱۰/۱۹

DOI: 10.22103/JIS.2022.18115.2212

مجله مطالعات ایرانی، سال ۲۱، شماره ۴۱، بهار و تابستان ۱۴۰۱، صص ۷۱۷-۷۵۶

ناشر: دانشگاه شهید باهنر کرمان، دانشکده ادبیات و علوم انسانی

حق مؤلف © نویسندگان



۱. استادیار پژوهشکده گیلان‌شناسی، دانشگاه گیلان، رشت، ایران. رایانامه: j.nazaris@gmail.com

واژه‌های کلیدی: ایران‌شناسی، فرهنگ عامه، ضرب‌المثل، گیلکی، فرهنگ کار.

۱. مقدمه

فرهنگ و زبان رابطه عمیقی با هم دارند. زبان چه به صورت گفتاری و چه نوشتاری و چه تصویری بهتر از هر عنصر دیگر می‌تواند منش‌ها و فرهنگ‌ها را در خود بازتاباند (فرهادی، ۱۳۸۸: ۴۶۲). از طریق زبان و ادبیات یک ملت می‌توان واقعیت‌های اجتماعی و نظام ارزشی حاکم بر جوامع را مورد بررسی و تحلیل قرار داد. چرا که مطالعات زبان‌شناسی نشان می‌دهد که زبان تنها ابزاری برای ارتباط با هم‌نوعان و انسان‌های دیگر در زمان حال نیست، زبان وسیله‌ای بسیار مهم برای درک احساسات و عواطف آدمیان در طول تاریخ است. بنابراین می‌توان گفت که نظام ارزش‌های اجتماعی و روابط نهفته درون هر فرهنگ در ادبیات هر کشور متجلی است (فیوضات، ۱۳۸۶: ۳۷؛ پاکتچی، ۱۳۸۷: ۱۱۴).

امروزه در برنامه‌های توسعه، عنصر فرهنگ بیش از پیش مورد توجه قرار می‌گیرد تا جایی که توسعه فرهنگی فراتر از توسعه و اقتصادی عامل حرکت و پویایی جامعه معرفی می‌گردد (دوپویی، ۱۳۷۴: ۲۳). یکی از مهمترین عوامل توسعه هر جامعه‌ای وجود فرهنگ کار و منابع انسانی کارآمد و اهل کار و تلاش است. اگر فرهنگ را مجموعه‌ای از «ارزش‌ها، هنجارها و نظام اعتقادات یک جامعه» (پالمر و همکاران، ۱۳۷۲: ۹۹) بدانیم در نتیجه می‌توانیم بگوییم فرهنگ کار در واقع مجموعه ارزش‌ها و باورهای مشترک یک گروه یا سازمان کاری و یا یک جامعه اقتصادی در انجام فعالیت‌های تولیدی و خدماتی است (جعفری و دیگران، ۱۳۸۱). یا مجموعه‌ای از رفتارهای درونی شده، مطلوب و مناسب در کارکنان است که برای توسعه و موفقیت سازمان لازم و ضروری است. از نگاه گیدنز فرهنگ کار مجموعه ارزش‌ها و هنجارهایی است که اعضای یک گروه دارند و از آن پیروی می‌کنند (گیدنز، ۱۳۷۳: ۳۶).

دیدگاه افراد نسبت به کار، تعهد و وجدان کاری، نظم و انضباط، انتقادپذیری، کار گروهی و همکاری و مشورت در کارها، تقدیرگرایی، نگاه به ثروت، فردگرایی،

عقل‌گرایی، وظیفه‌شناسی و مسئولیت‌پذیری، خطرپذیری و آینده‌نگری، سخت‌کوشی از جمله مهمترین مولفه‌های فرهنگ کار به شمار می‌روند (عربی و شیخیانی، ۱۳۸۹: ۱۴۹ و ظاهری و عبدوند ۱۳۹۷: ۲۰). علاوه بر موارد مذکور، رعایت تقسیمات کاری و مسائل سازمانی، تفکر منطقی در انجام امور، آموزش‌پذیری، صرفه‌جویی در مصرف مواد، انعطاف‌پذیری، علاقه‌مندی و دلبستگی به کار، رعایت بهداشت و ایمنی حرفه‌ای، بهره‌گیری از فناوری‌های جدید از دیگر مؤلفه‌های فرهنگ کار هستند (سبحانی، ۱۳۸۳: ۳).

از آنجا که فرهنگ کار یکی از عوامل مهم رشد و توسعه در هر جامعه محسوب می‌شود اغلب صاحب‌نظران، تربیت نیروی انسانی و بهره‌گیری بهینه از آن را یکی از شاخص‌های رشد و توسعه جوامع معرفی می‌کنند (محسنی تبریزی و میرزایی، ۱۳۸۳: ۴). وقتی فرهنگ کار در یک جامعه ضعیف باشد بدین معنا است که تمایل به کار مفید و مولد وجود ندارد در نتیجه فعالیت‌ها کمتر اثربخش خواهد بود (مدیری و مطیع حق‌شناسی، ۱۳۹۶: ۱۱۰) برخی پژوهش‌ها در ایران بر ضعف فرهنگ کار در جامعه ایرانی تأکید دارند (ر.ک احمدی، ۱۳۹۱، معیدفر، ۱۳۸۵) از طرفی بخش عمده‌ای از پژوهش‌ها بر فقدان ارزش‌های مثبت مربوط به کار در فرهنگ و خلیات جامعه ایرانی در طول تاریخ تأکید دارند و معتقدند تنبلی، تقدیرگرایی، عدم مسئولیت‌پذیری و عدم روحیه جمعی در کنار دیگر ویژگی‌های منفی از مهمترین موانع توسعه یافتگی جامعه ایرانی است. (یه عنوان نمونه ر.ک رضاقلی، ۱۳۷۳، قاضی‌مرادی ۱۳۸۹).

به منظور رسیدن به تصویری درست از چگونگی فرهنگ کار در جامعه ایران و داوری در باب صحت مدعای برخی از صاحب‌نظران مبنی بر وجود ضعف فرهنگ کار در جامعه ایران به عنوان یکی میراث نامطلوب تاریخی، مطالعه فرهنگ و ادبیات عامه اهمیت پیدا می‌کند. با توجه به رابطه میان زبان و فرهنگ، ویژگی‌های فرهنگی جامعه در زبان و فرهنگ عامه و ادبیات جامعه بازتاب پیدا کند. ضرب‌المثل‌ها به عنوان یکی از مهمترین عناصر ادبیات عامیانه تا اندازه زیادی می‌توانند نمایاننده فرهنگ و ارزش‌های حاکم بر جامعه در طول تاریخ باشند (ذولفقاری، ۱۳۸۶: ۲۸). بر اساس دیدگاه مک‌کله‌لند (۱۹۶۱) هر

چقدر انگیزه موفقیت در یک جامعه بیشتر باشد امکان تلاش و کار بیشتر و در نتیجه رسیدن به پیشرفت در آن جامعه بیشتر است. او از جمله محققانی است که ضمن توجه به رابطه میان وجود انگیزه پیشرفت در ذهن جامعه و پیشرفت و توسعه اقتصادی کشورها به این نتیجه رسید که آثار ادبی به طور خاص، قصه‌ها و افسانه‌ها و حکایات و آثار فولکلوریک می‌توانند انعکاس‌دهنده این نیاز به موفقیت باشند. وی با مطالعه آثار ادبی برخی کشورها و مقایسه آن‌ها با یکدیگر دریافت که کشورهایی که «انگیزه و نیاز به موفقیت» در آثار ادبی‌شان بیشتر انعکاس یافته در عمل نیز بیشتر به توسعه اقتصادی دست یافته‌اند (روشه، ۱۳۹۲: ۱۴۶). بنابراین می‌توان انتظار داشت که از خلال مطالعه و بررسی ضرب‌المثل‌های جوامع مختلف، به تصویر نسبتاً قابل استنادی در خصوص مهمترین ویژگی‌ها و ارزش‌های حاکم بر فرهنگ کار و به طور کلی نگرش مردمان جامعه به مقوله کار و تلاش انسانی دست یافت. این آثار و علائم در حقیقت صداهای درونی هر ملتی است که روح و اندیشه آن‌ها را بازگو می‌نماید (کدیور، ۱۳۷۴: ۱۶).

مطالعه در زمینه چگونگی بازنمایی فرهنگ کار در ادبیات عامه فرهنگ‌های محلی مختلف می‌تواند گام مهمی در جهت توسعه تحقیقات حوزه مردم‌شناسی و جامعه‌شناسی ادبیات باشد. بنابراین در این پژوهش تلاش خواهد شد تا به مطالعه و بررسی مؤلفه‌های مربوط به کار در فرهنگ گیلان پرداخته شود. مسئله این پژوهش چگونگی بازنمایی فرهنگ کار در ضرب‌المثل‌های گیلکی است. با توجه به هدف پژوهش در این مقاله تلاش می‌شود به این پرسش‌ها پاسخ داده شود: در فرهنگ عامه گیلان، فرهنگ کار چگونه بازنمایی شده است؟ چه مؤلفه‌هایی از فرهنگ کار در ضرب‌المثل‌های گیلکی بازنمایی شده است؟ کدام مؤلفه‌های فرهنگ کار از برجستگی بیشتری برخوردارند؟ یافته‌های پژوهش چگونه قابل تبیین است؟ برای پاسخ به این پرسش‌ها، محتوای ضرب‌المثل‌های گیلکی مورد تحلیل و بررسی قرار می‌گیرند. در ادامه پس از بررسی پژوهش‌های انجام شده در این حوزه و اشاره به روش تحقیق، یافته‌های پژوهش در چارچوب اهداف مورد مطالعه ارائه می‌گردد.

۱-۱. پیشینه تحقیق

ظاهری عبدوند (۱۳۹۷) در پژوهش خود به بررسی چگونگی بازتاب فرهنگ کار و کارآفرینی در ضرب المثل‌های بختیاری پرداخته است. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد مسئولیت‌پذیری، سخت‌کوشی، قانون‌مندی عقلگرایی و نظم، نگرش مثبت به ثروت، مهارت در کار و کار جمعی، از جمله مقوله‌هایی هستند که به عنوان یک ارزش در ضرب المثل‌های بختیاری به کار رفتند. اما نگرش مثبت نسبت به تقدیرگرایی، توجه به پایگاه انتسابی و نگرش منفی نسبت به خلاقیت و کار زنان از موارد ضعف فرهنگ کار در این مثل‌ها است.

فیوضات و مبارکی (۱۳۸۷) با نگاهی بر اشعار برخی شعرا و طنزپردازان دوره قاجار و پهلوی به بررسی نحوه نگرش جامعه نسبت به کار پرداختند. نتایج این مقاله حاکی از آن است که نوعی نگرش منفی نسبت به موضوع کار و به طور خاص سرمایه در ادبیات این دوره تاریخی وجود دارد و کار صادقانه از جایگاه معتبر و ارزشمندی در جامعه برخوردار نیست. فیوضات و حسینی نثار (۱۳۸۳) در ضمن پژوهشی در باب اشعار شعرای کلاسیک ادبیات فارسی به این نتیجه رسیدند که اگر چه در عصر امروز در جامعه ما نگاه منفی نسبت به کار وجود دارد اما در فرهنگ و ادب فارسی گذشته ایران، مقوله کار و تلاش دارای اهمیت بوده و مورد تحسین و توجه قرار گرفته است.

آزاد ارمکی و همکاران (۱۳۹۲) به بررسی چگونگی بازتاب نگرش توسعه‌ای جامعه لرستان در ضرب المثل‌های لری پرداختند. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد مقوله‌های ارزش‌های اخلاقی مؤید کار، عقلگرایی، جمعگرایی دارای موارد مثبت بیشتری بوده و مقوله‌های محافظه‌کاری و سازگاری عدم نیاز به پیشرفت، تقدیرگرایی، جایگاه انتسابی، عام‌گرایی، نگاه به ثروت، نگاه جنسیتی و فردگرایی، دارای موارد منفی بیشتری هستند. لذا می‌توان گفت در ضرب المثل‌های لری غلبه مثل‌هایی با مضمون ناسازگار با توسعه بیشتر به چشم می‌خورد.

از کیا و پاک‌سرشت (۱۳۷۷) در پژوهش خود نشان داده‌اند که ویژگی‌های مقوم توسعه در ضرب‌المثل‌های کردی بسیار بیشتر از ویژگی‌های منفی و ناسازگار با توسعه بازتاب پیدا کرده است. در نتیجه ویژگی‌های مقوم توسعه در فرهنگ مردم کرد وجود دارد. این در حالی است که بسیاری از پژوهش‌ها در صددند علت توسعه‌نیافتگی ایرانیان را در نگاه منفی آنان نسبت به کار می‌دانند.

پژوهش عزتی (۱۳۹۱) درباره ضرب‌المثل‌های فارسی نشان می‌دهد مؤلفه‌هایی مانند اصالت و اهمیت کار، تقبیح تجمل‌گرایی، نکوهش بیکاری و بطالت، برنامه‌ریزی و دوران‌دیشی، ارزش مشاوره و همفکری، اهمیت کسب روزی حلال، توسل در شروع کار، سحرخیزی در ادبیات شفاهی انعکاس یافته است. جمیله کدیور (۱۳۷۴) در مقاله خود ضمن آوردن شواهدی از ضرب‌المثل‌های فارسی به زمینه‌های پذیرش اقتدارگرایی در فرهنگ عامه ایرانیان در طول تاریخ اشاره دارد. او نتیجه می‌گیرد بازتاب ویژگی‌هایی همچون تسلیم‌پذیری و تقدیرگرایی و سلطه‌پذیری و ریا و دیگر ویژگی‌های اخلاقی زمینه‌ساز تداوم سلطه اقتدارگرایی و حکومت‌های استبدادی در ایران بوده است.

در حوزه فرهنگ کار در گیلان عمده پژوهش‌ها در باب آواها و ترانه‌های کار صورت پذیرفته است. به عنوان نمونه پژوهش فاضلی و آلیانی (۱۳۹۴) به بازتاب ویژگی‌های فرهنگی اجتماعی و آداب و رسوم، باورها، ارزشها، نقش زنان در کار و امور اقتصادی، اهمیت تعاون و همیاری در کارنواها و ترانه‌ها کار کشاورزی و چوپانی مردمان تالش در گیلان پرداخته است و پژوهش سبزه‌علیپور و باقری (۱۳۹۶) تحلیل متمرکز بر اشعار کار شالیزار و تحلیل محتوایی آن است. با در نظر گرفتن مطالعات انجام شده در این زمینه از آنجا که تاکنون پژوهشی در خصوص بازتاب فرهنگ کار در ضرب‌المثل‌های گیلکی صورت نگرفته در این پژوهش تلاش می‌شود تا ضمن بررسی و تحلیل محتوای مثل‌های گیلکی، برجسته‌ترین ویژگی‌های مربوط به کار در فرهنگ گیلان مورد بررسی و تحلیل قرار گیرد.

۱-۲. روش تحقیق

این مطالعه یک بررسی توصیفی و تحلیلی است که در آن تلاش می‌شود با رجوع به بخشی از میراث فرهنگ عامه گیلان با استفاده از روش تحلیل محتوا به چگونگی بازتاب فرهنگ کار در ضرب المثل‌های گیلکی پرداخته شود. تحلیل محتوا به هر روش استنباطی اطلاق می‌شود که به صورت منظم، عینی و به منظور تعیین ویژگی‌های پیام‌ها به کار برده می‌شود (دلاور، 1395: ۲۷۵). لذا پس از بررسی آثار مکتوب و فرهنگ ضرب‌المثل‌های گیلکی دو کتاب «فرهنگ مثل‌ها و اصطلاحات گیلکی» اثر محمود پاینده لنگرودی و «ضرب‌المثل‌های گیلکی» محمد پرحلم و «ضرب‌المثل‌ها و اصطلاحات گیلکی» ابراهیم فخرائی که در مجموع حاوی حدود ۳۰۷۰ ضرب المثل گیلکی حوزه شرق و غرب و مرکز گیلان هستند به عنوان منابع قابل استناد و بررسی انتخاب شدند. ذکر این مطلب لازم است که بخشی از ضرب‌المثل‌ها در هر سه کتاب تکرار شده‌اند. برای رسیدن به درک درستی از محتوای ضرب‌المثل‌های دارای ابهام معنایی تلاش گردید از چند تن از افراد آشنا با گویش گیلکی در مسیر تحقیق استفاده شود. در این تحقیق هر یک از ضرب‌المثل‌ها به مثابه واحد تحلیل در نظر گرفته شده است. پس از خوانش چند باره ضرب المثل‌ها و بررسی مضامین آن‌ها پس از حذف موارد مشابه در منابع تعداد 142 مورد مثل گیلکی مرتبط با فرهنگ کار استخراج گردید. در ادامه مثل‌های با مضامین مشترک در ذیل مقوله‌هایی مشخص قرار گرفتند. محتوای این ضرب المثل‌ها و مقوله‌های تعیین شده تا اندازه‌ای می‌تواند دلالت بر چگونگی فرهنگ کار در فرهنگ عامه گیلان داشته باشد.

۲. بحث و بررسی

۲-۱. مؤلفه‌های فرهنگ کار در ضرب‌المثل‌های گیلکی

اهمیت کار و تلاش، مشارکت، فردگرایی و خوداتکایی، توجه به مهارت و تجربه، دوران‌دیشی و آینده‌نگری، عنصر زمان و نظم و قاعده در کار، ثروت، تقدیرگرایی و رضایتمندی از کار از جمله مهمترین مؤلفه‌های مربوط به کار در فرهنگ گیلان به شمار

می‌روند که در ادامه ضمن بیان نمونه‌ها و مصادیق آن در قالب ضرب‌المثل‌ها به توصیف و تحلیل آن پرداخته می‌شود.

۲-۱-۱. اهمیت کار و تلاش

اهتمام به کار و فعالیت و تلاش برای کسب روزی یکی از ارزشهای جامعه ایرانی به شمار می‌رود که به طور برجسته‌ای در ضرب‌المثل‌ها و فرهنگ عامه بازتاب پیدا کرده است. در ۲۶,۰۵٪ از این مثل‌های گیلکی بر لزوم پیوند انسان با مفهوم کار و پرهیز از سکون و عدم تلاش و تکاپو تأکید شده است (۳۷ مورد). در ادامه به این دسته از ضرب‌المثلها اشاره می‌شود.

- «آسیه سنگ بساوه بیتره تا بیکار بیسه» / asijə səŋ bəsavə bitarə ta
bikar bajsə

آسیاب سنگ سیاه بساید بهتر است از اینکه بیکار باشد.

- «آب اگه ایجا بمانه گنده» / ab aɣə idʒə bəmanə gəndə

آب اگر یک جا بماند می‌گندد.

- «هر خورنده‌ای دهنده نبه آفته جانه موسلمانانه» / har xorəndə dahəndə nəbə
afətə dʒənə usəlmanənə

هر خورنده‌ای خیرش به دیگران نرسد آفت جان مسلمانان است

در خانواده سنتی هر یک از عناصر خانواده نقش مهمی در چرخه اقتصادی خانواده ایفا می‌کنند. لذا مکانیسم خاصی جهت تقسیم کار و دادن مسئولیت‌های مشخص به اعضای خانواده وجود داشته و پدر و مادر تلاش می‌کنند تا در جهت تشویق و هدایت فرزندان به مقوله کار و فعالیت قدم بردارند. در این ضرب‌المثل پدر خطاب به فرزند می‌گوید زمانی

که کودک بودی وابسته به پدر و مادر بودی و صدای قاشقت شنیده می شد حالا که بزرگ شدی باید کار کنی و صدای تبرت به گوش برسد.

- «او وقت تی قاشوک صدا بو، الان تی تور صدا» /
u vəqt ti qaʃuk səda bu
alan ti tur səda

آن وقت صدای قاشقت بود و حالا صدای تبر.

مثلهای گیلکی، انسان اهل کار و تلاش مورد ستایش قرار گرفته است و تأکید می شود که برای انسان اهل کار، همیشه کار فراهم می شود لذا نمی توان از شرایط اجتماعی و اقتصادی جامعه گله داشت و بهانه ای برای بیکاری و تنبلی تراشید و سیستم اجتماعی و به طور کل، دیگری را در این زمینه به نقد کشید.

- «آدمه کاری، گازه بونه مو دره» /
adəmə kari gazə bunə mu dərə

زیر دندان آدم کاری مو هست (از قیافهات پیداست کاری نیستی).

- «اگر کارگر بی تی کونه شلاردوته بونه بو» /
agər kargər bi ti kunə
ʃəlardutə bunə bu

اگر کارگر (اهل کار) بودی شلوار کهنه ات دو تا می شد.

- «کارگر ره کار واره، بیکاره ره یار» /
kargərə re kar varə bikarə rə jar

برای آدم اهل کار، کار می بارد و برای بیکار یار (بیکار سرش را هوا بر می دارد).

داشتن پشتکار و خطرپذیری به عنوان بخشی از فرهنگ کار در نظر گرفته می شود. مقصود از خطرپذیری این است که فرد نسبت به موقعیت، شرایط امکانات و در یک کلام آینده خود خطر کند و برای کسب موفقیتی و محتمل مبارزه نماید (کاوسی و چاوش باشی، ۱۳۸۷: ۷۲). سخت کوشی و پشتکار از مهمترین عوامل موفقیت در فرایند کار به شمار

می‌رود (نورانی، ۱۳۸۹: ۷۱). در بخشی از ضرب‌المثل‌های گیلکی، استقبال از سختی‌ها و مشکلات در فرایند انجام کار و پرهیز از عافیت و راحت‌طلبی بازنمایی شده است.

- «دسی گه راس بشکه، وه چپ بگره» / *dəsi gə ras bəʃkə və tʃəp bəgrə*
دست راست بشکنند باید با چپ کار کرد.

- «خن دنده بر جگر نن» / *xan dəndə bar dʒəgar nan*
باید دندان روی جگر گذاشت. (کنایه از سخت کوشی در کار)

- «درد کشیده طبیبه» / *dərd kəʃidə təbibə*
درد کشیده طیب است (و کاربرد).

- «تله جیردودن، شیرینه خور» / *tələ dʒirdodən ʃirin xor*
ریخت، شیرین را بالا (باید دندان بر جگر گذاشت)

سختی‌ها و مشکلات کار باعث می‌شود انسان در زندگی آبدیده شده و تجربه بیاندوزد. لذا انسانی که سختی‌های کار را تجربه کرده در نظر مردم ارزش بیشتری دارد.

- «قالی کاشان هر چی لُقد بوخوره، وشته خریدار داره» / *qaliə kaʃan hərtʃI*
/laqad boxorə vəʃtə xaridar darə

قالی کاشان هر قدر لُقد بخورد بیشتر خریدار دارد. معادل کرمانی آن «مثل قالی کرمان» است که در واقع به این معنی است که هر چه کهنه‌تر شود، ارزشمندتر می‌شود.

به همین خاطر در نظر عامه، انسان راحت‌طلب، در عداد آدمیان به حساب نمی‌آید:

- «آدم نیه راحتی» / *adam nijə rahatə*

آدم نیست، آزاد و راحت است (و احساس مسئولیت ندارد). معادل دیگر مثل، این بیت است: در این دنیا کسی بی‌غم نباشد/ اگر باشد بنی آدم نباشد.

و به فردی که در ناز و نعمت بزرگ شده و سختی ندیده است نگرش منفی وجود دارد.

- «ازا نازِ بداشته که موندنه» /*aza naz bədaftə kə mundənə*/

شبیبه نازپرورده‌ها است.

از آنجا که در فرهنگ عامه گیلان، کار و تلاش برای کسب روزی، ارزش به شمار می‌رود نکوهش تن پروری و تنبلی در بخشی از محتوا و مضمون ضرب‌المثل‌های گیلکی بازتاب پیدا کرده است. در این دسته از مثل‌ها نگاه منفی نسبت به انسان تنبل و کسانی که از کار فرار می‌کنند وجود دارد.

- «پره پلا خونه، دَسَم پره ریشه پَگه کونه» /*pərə pəla xurə dasam pərə* /

/riʃa paka kunə

پلو پدر را می‌خورد دست را هم با ریش پدر پاک می‌کند.

«خوشک چوبا راستا نو کونه» /*xuʃkə tʃubə rastə nokunə* /

چوب خشک هم نمی‌تواند بلند کند

- «تنبله بگوتن ورس بره دَبَس بگوت باد خوره دَبسه» /*təmbələ bogutən* /

/vəras bogut bad xorə dabəsə

به تنبل گفتند: برس درب را ببند گفت باد خودش می‌بندد.

- «شله پلا بخوردی مگه» /*ʃələ pəla boxordi magə*/

پلوی شل و وارفته خوردی مگر؟ (کنایه اینکه چرا انقدر شل و تنبل هستی.)

- «نه بیل بزّه نه پایه، آتو نیشینه یا سایه» /*na bil bəzə na pajə atu niʃinə ja* /

/sajə

نه بیل زد نه چوبدستی (ستونهای باریک) یا زیر آفتاب می‌نشیند یا سایه.

- «این ایسه تمبل هونر، صوب تا غوروب فَوَر فَوَر» / in isə tambələ honar
/sub ta qorub favar favar

این تنبل هنر است صبح تا غروب می لمباند.

- «نودونه شنه یاد دَن، نکونه چاره نیه» / nodunə ʃanə jad dan nokunə tʃarə
/nijə

به کسی که نمی داند می شود یاد داد اما کارنکن را چاره نیست.

- «بی کار و بی بار و بی زندگی، خانم و آقا شرمندگی» / bikaro bibaro bi
/zəndegi xanemo aqa ʃarmandegi

بی کار و کوله بار و وسایل زندگی میان خانم و آقا شرمساری.

مثل «موفت بیه کوفت بیه» / muft bəbə kuft bəbə/ / مفت باشد کوفت باشد؛ گاه در هنگام سرزنش کسانی که زحمت نمی کشند و تنها به دنبال استفاده از دست رنج دیگران هستند کاربرد دارد.

۲-۱-۲. فردگرایی و خوداتکایی

کارآفرینان، افرادی هستند که روحیه فردگرایانه و استقلال طلبی دارند و مایلند روی پای خود بایستند و حاضرند مسئولیت کار و اشتغال خود بر عهده بگیرند. این افراد معتقدند باید بر پایه توانایی‌ها و شایستگی‌ها و ظرفیتهای خود امرار معاش کنند. (سید نورانی و یگانه، ۱۳۸۹: ۷۰) فردگرایی به معنی مثبت آن یعنی استقلال فردی و فردگرایی به معنی منفی آن یعنی خودمحوری و فرصت طلبی (آزادارمکی، ۱۳۹۲: ۲۶) گفته می شود فردگرایی مثبت از جمله مؤلفه‌ها و ویژگی‌های جوامع مدرن به حساب می آید. در جوامع سنتی، افراد جمع گرا هستند. به این معنی که عاملیت انسان و فرد نادیده گرفته می شود و انسان بیشتر خود را نسبت به جمع، خانواده یا قبیله وفادار می داند. لذا این جمع گرایی، مانع نوآوری، ابتکار و خلاقیت‌های فردی است. در نتیجه گفته می شود که این نوع فردگرایی

موجب تقویت و رشد و توسعه اجتماعی و اقتصادی جامعه مدرن می‌شود. اما در جامعه سنتی فردگرایی با خودمحوری یکسان انگاشته می‌شود و مورد نکوهش قرار می‌گیرد (آزادارمکی، ۱۳۹۲: ۲۶).

بررسی ضرب‌المثل‌های گیلکی و بازنمایی فردگرایی و خوداتکایی در کار، نشان می‌دهد فردگرایی مثبت و خوداتکایی و مسئولیت‌پذیری عدم وابستگی فرد به دیگری و تلاش در جهت رفع نیازها با اتکا به ظرفیت‌های فردی از ارزشهای حاکم بر فرهنگ مردم گیلان است که در ۹،۸۵ درصد از مثل‌ها و در قالب این جملات و عبارات بازنمایی شده است (۱۴ مورد).

- «آدم خو جانه گوشته بوخوره لوفته قصابه نکشه» / adam xu dʒanə quʃtə
/boxurə luftə qasabə nekəʃə

آدم گوشت تنش را بخورد اما منت قصاب را نکشد

- «آدم خودشه فله پایه بزنه، بهتره گه دیگری جوئه پایه بزنه» / adam xodəʃə
/falə pajə bəzanə behtarə gə digari dʒoe pajə bəzanə

آدم پوست شلتوک خود را بکوبد بهتر است که جو دیگری را بکوبد (وابسته به دیگری باشد)

- «تی فله پایه بزَن، همسایه بجه (جوه) پایه زن» / ti falə pajə bəzan
/hamsajə bə dʒə pajə nəzan

پوست شلتوک خود را با چوب بکوبی بهتر است تا جو همسایه را.

- «دیگری اسبه سوار همیشک پیاده» / digari asbə savar hamifak pijadə
کسی که سوار اسب دیگری است همیشه پیاده است

- «امیده قرضه خا بی نون بیسم، امیده همسایه‌ها بی شوم» / *omidə qarzə xa bi*
/ *nun bisam omidə hamsajha biʃum*

به امید قرض دهنده (طلبکار) بی نان ماندم، به امید همسایه بی شام (به امید همسایه شب بی شام خوابیدن است)

- «تی آقایی، تی نوکر» / *ti aqaji ti nokar*

آقای خودت هستی و نوکر خودت (آزادهستی، مثل ما اسیر دیگران نیستی)

- «خودا برکت بده می بال و بازو، تا منت نکشم تی شونه گازو» / *xuda bərekat*
/ *bəda mi balo bazu ta menat nakəʃam ti ʃunə gazu*

خدا برکت بدهد به دست و بازوی من تا منت های آدم‌های گازو مثل شما را نکشم.

- «می لافند به می شاخ واپختیه» / *mi lafon bə mi ʃax vapəxtijə*

طنابم به شاخم پیچیده است (آزادم و دنباله رو کسی نیستم).

- «همسایه کاسه لبه ترا کونه، شکمه سیرا نوکونه» / *hamsajə kasə labə tara*
/ *kunə ʃəkamə sira nokunə*

کاسه همسایه لب را تر می کند شکم را سیر نمی کند

- «هرکسه پرپره آو دکت خوره وه جوره گیره» / *har kasə pərpəra av*
/ *dakat xorə və dʒurə gire*

آب به لبه دامن و لباس هرکس افتاد خودش را باید بالا بکشد.

- «موفت خوره جوفت زنه» / muft xurə guft zanə /

- مفت می خورد جفتک می زند.

- «خو وینی زیکه جور هکشه مئه» / xo vini zike dzor hakəʃə manə /

آب دماغش را نمی تواند بالا بکشد.

۲-۱-۳. وجه به تخصص و مهارت و تجربه

توجه به مهارت و تخصص و تجربه در کار از دیگر مؤلفه‌های مثبت مربوط به فرهنگ کار است که در ۱۴,۷۸٪ (۲۱ مورد) از ضرب‌المثل‌های گیلکی بازتاب پیدا کرده است. در این مثل‌ها بر این مسئله تأکید می‌شود که در حوزه کسب و کار باید به تخصص و مهارت فرد توجه داشت. سپردن کارها به افراد غیر متخصص امر مذمومی شمرده می‌شود و هر کاری باید توسط کسی که در این حوزه سر رشته و تخصص دارد انجام شود.

- «نوده کار جونه بلای» / nudə kar dzune balajə /

کار نکرده (کار غیر تخصصی) بلای جان است.

- «آدم کور و باغبونی» / adame kuro baqbani /

آدم کور و باغبانی

- «داس و تور و تیشه هر که خو پره پیشه» / daso turo tife har ki xu pəre /

/piʃə

داس و تبر و تیشه هر کس باید پیشه پدرش را دنبال کند (هر کس به اصل خود، تو را چه به این کارها؟)

- «کوله چاقو نئانه دازه کاری بو کونه» / kulə tʃaqu nətanə dazə kari /bukune

چاقوی ضعیف نمی تواند کار داس را بکند

- «لابدان و زنبیل بافی» / labdano zambil bafi/

عنکبوت و زنبیل بافی

- «از باغبون تره از چوپان وره» / az baqibun tarə az tʃupan varə/

از باغبان تره باید خواست و از چوپان گوسفند

در واقع در این مثلها گوینده می خواهد بگوید هر کس را بهر کاری ساختند و موفقیت فرد در کار در گرو فعالیت در حیطه ای است که در آن تخصص و مهارت دارد.

در بخش دیگری از ضرب المثلها فرد با مهارت و تجربه در کار مورد ستایش قرار گرفته است. انسان توانمند و با مهارت کسی است که از حداقل امکانات حداکثر استفاده را می برد و کارهای غیر ممکن را ممکن می سازد.

- «آتش خو جایه و کونه» / ataʃ xu dʒaje vakunə/

آتش جای خود را باز می کند. (افراد لایق و کارآمد جایگاه خود را دارند)

- «واشأ آتش چاکونه» / vaʃ aʃ tʃakunə/

حتی از علف هرز آتش می گیرد.

- «ورفه آتیش زنه» / varfə atiʃ zanə/

از برف آتش می سازد.

- «چرخه تونی نه مانه» /tʃarxə tunie manə/ به چرخ نخریسی می ماند.
- «هفت قد آب جیر ماهیه با دس گینه» /haft qad ab dʒir mahije ba das /ginə/

زیر هفت قد آب (در عمق هفت متری) با دست ماهی می گیرد.

و از طرفی شایسته است پاداش افراد هم متناسب با استعداد و ظرفیت و مهارت افراد در نظر گرفته شود. پس کار خوب استحقاق پاداش بیشتر و بهتری دارد. ضرب المثل زیر تلویحاً به این مسئله اشاره دارد.

- «اسب خوب طویله خوب وه» / asbə xub taviləje xub va/

اسب خوب طویله خوب می خواهد.

در بعضی ضرب المثل ها گوینده بر لزوم انجام درست و دقیق کار متناسب با میل و خواسته کارفرما اشاره دارد.

- «اسبه یه جا دبوستن گه اونه صاحبه خوش بیی» / asbə je dʒa dabustan gə /
/une sahebə xuf bajə/

اسب را جایی می بندند که صاحبش خوشش بیاید.

«ویجین دوواره پیرزناکونه کاره» /vidʒin duvarə pirzenəkanə karə/ کاشتن دوباره نهال برنج کار پیرزنها است (تو جوانی و کارهای سنگین باتوست).

مثل بالا دلالت بر استفاده از مهارت و همه ظرفیت ها و استعدادهای فرد جهت انجام کار می کند. از نیروی جوان و با استعداد انتظار می رود که هم کارهایی متناسب با توانایی خود را انتخاب کند و هم کار را به بهترین وجه ممکن انجام داده و از همه مهارت و ظرفیت خود برای انجام دادن درست کار استفاده کند.

استفاده از تجربه دیگران و خبرگان در حوزه کسب و کار از دیگر مؤلفه‌های فرهنگ کار است که در تعدادی از ضرب‌المثل‌ها بازنمایی شده است. در این مثل‌ها تجربه ارزش به شمار می‌رود و انسان با تجربه مورد ستایش قرار گرفته و یا از فرد خواسته می‌شود از تجربیات بزرگان در حوزه کار استفاده کند.

- «امساله جوجه پالساله جوجه گونه جینجیره جیس^۱» / emsalə dʒudʒə palsalə / ə dʒudʒə gunə dʒindʒirə dʒis

جوجه امسال به جوجه پارسال می‌گوید جینجیره جیس (جواب باتجربه‌ها به بی‌تجربه‌های پرمدا)

- «پیر نداری بشو پیرداره بون بنیش» / pir nadari bufu pir darə bun baniʃ/

اگر پیر نداری برو زیر درخت پیردار بنشین.

- «کونه سواره» / kunəsavarə/

کهنه سوار است (کهنه کار است). این مثل در دیگر مناطق ایران نیز به کار می‌رود.

۲-۱-۴. دوران‌دیشی، تعقل و آینده‌نگری

دوران‌دیشی و عقل‌گرایی و آینده‌نگری از جمله مؤلفه‌های تأثیرگذار در حوزه فرهنگ کار است که ۱۰,۵۶٪ (۱۵ مورد) از ضرب‌المثل‌های گیلکی اختصاص به این موضوع

^۱ جینجیره جیس (جینجیری) پرنده‌ای است بسیار کوچک نظیر (فینچ - جقه) که بیشتر در بوته‌های تمشک دیده می‌شود.

(ر.ک مثل‌ها و اصطلاحات گیل و دیلم)

داشت. در این ضرب‌المثل‌ها بر لزوم در نظر گرفتن شرایط، فرصت‌ها و ظرفیت‌ها و تدبیر امور تأکید شده و عدم آینده‌نگری در کار مورد سرزنش قرار گرفته است.

- «آدم وا خو لنگ بیدینه، واز بوکونه» /
adam va xu lengə bidinə vaz /
/bukunə

آدم باید لنگ خود را ببیند بعد پیرد.

- «آبه بیدین وئر بز» /
/abə bidin ver bezan/

آب را بین بعد عبور کن.

- «آوه نیده تی تومونه نکن» /
/avə nidə tumunə nəkan/

آب را ندیده شلوارت را نکن.

- «ناخونه امره قبرا نیشه کندن» /
/naxunə amrə qabra niʃə kandan/

با ناخن نمی‌شود قبر را کند.

استفاده بهینه از همه ابزارها و پرهیز از تبذیر و به دور ریختن وسایل و ابزارهای کهنه از دیگر وجوه مثبت در کار محسوب می‌شود که در مثل‌های گیلکی به آن اشاره شده است.

- «کونه چاروق هیمه ورجینی ویسین خوبه» /
kunə tʃaruq himə var dʒini /
/visin xobə

کفش کهنه برای هیزم شکنی خوب است

- «آوه او طرف بشی پایه آوه ندی» /
/avə u taraf beʃi pajə avə nadi/

آن طرف آب رودخانه رفتی چوبدستی را دور نیانداز (چون به کار می‌آید)

هدفمندی و توجه به حصول نتیجه مثبت در کار از دیگر مصادیق دوراندیشی و عقلگرایی در حوزه فرهنگ کار است. در فرهنگ عامه اگر چه نفس انجام کار از بیکار

بودن بهتر است اما کار خوب کاری است که نتیجه‌ای به دنبال داشته باشد. لذا رد مثل‌های گیلکی بی‌هدفی و عدم نتیجه بخش بودن کار مورد نکوهش قرار گرفته است.

- «اندی بچرسی تی دومبه کو» / *andi bətfarsi ti dumbə ku*

انقدر چریدی دومبه‌ات کجاست؟

- «دارکوب سیتة حماله» / *darkub sitə hamalə* / دارکوب حمال سیت (سار،

حیوانی که از حشرات ریز تغذیه می‌کند) است.

پس صرف انجام کار بدون نتیجه مطلوب نیست. در ضرب المثل بالا گوینده می‌گوید دارکوب وقتی درخت را می‌کوبد از این کار بهره‌ای نمی‌برد و سودی حاصل او نمی‌شود و تنها سار یعنی حیوانی که از این حشراتی که در اثر کوبیدن دارکوب بر درخت بر زمین ریخته می‌شوند نفع می‌برند. بنابراین کار خوب کاری است که منفعتی برای فرد به همراه داشته باشد.

۲-۱-۵. تقدیرگرایی

تقدیرگرایی و سازگاری نسبت به وضع موجود از دیگر مقوله‌های مربوط به کار است که در حدود ۷,۷۴ درصد از ضرب المثل‌ها انعکاس پیدا کرده است. نگرش مثبت نسبت به تقدیرگرایی در واقع یعنی اعتقاد به اینکه هر آنچه شایسته بوده و از ازل مقدر شده است برای افراد محقق شده و نباید نارضایتی و گله‌ای از وضع موجود داشت. (آزادارمکی، ۱۳۹۲: ۲۲-۲۳). در تقدیرگرایی غالباً موفقیت و شکست افراد به بخت و اقبال نسبت داده می‌شود (موسوی بازرگانی، ۱۳۸۶: ۷۴). همین نگرش موجب دنیاگریزی و سازگاری نسبت به وضع موجود در فرد می‌گردد. نگرش مثبت به تقدیرگرایی تأثیر منفی در فرهنگ کار و تلاش دارد. چرا که موجب ایستایی و اکتفا به داشته‌ها و شرایط موجود از سوی فرد می‌شود و انسان را از تلاش و تکاپو جهت رسیدن به وضع مطلوب و پیشرفت و ارتقاء وضعیت موجود باز می‌دارد. بسیاری از متون خلیقات ایرانیان این ویژگی را به

انسان ایرانی نسبت داده و معتقدند این ویژگی فراگیر که ریشه در تاریخ دارد یکی از مهمترین عوامل عقب ماندگی جامعه ایرانی به شمار می‌رود. این مطالعات همواره بر این مسئله تأکید دارند نگرش تقدیرگرایانه در اشعار و ادبیات عامه بازتاب پیدا کرده است و برای اثبات مدعای خود شواهدی از ادبیات و فرهنگ عامه ارائه می‌نمایند. بررسی ما در ضرب‌المثل‌های گیلکی نشان داد که از میان ضرب‌المثل‌های مربوط به کار ۱۱ مثل به موضوع تقدیرگرایی اختصاص دارد. اما در ۶ مورد نگرش مثبت نسبت به مقوله تقدیرگرایی بازنمایی شده است و در ۵ مورد بر نفی تقدیرگرایی و نیز لزوم توجه به اختیار و اراده انسان در تغییر شرایط تأکید شده است.

نگرش مثبت به تقدیرگرایی

- «پور آگه نُبون کَمه جی بساز، شادی نبون غمه جی بساز» / pur aqə nobun

/kamə dʒə bəsaz ʃadi nobun qamə dʒə bəsaz

پول اگر نبود با کم بساز شادی اگر نبود با غم بساز

- «کار خس خودش جور دربی» / kar xas xodeʃ dʒur darbij

کار باید خودش جور در بیاید.

- «هرچی آسمونه بواره، وه زمین طاقت میاره» / hartʃi asemonə bevarə va

/zamin taqat barə

هر چه از آسمان بیارد باید زمین طاقت بیاورد

- «خواب دُبوسر بالش نخای، وشنا شکم قاتوک» / xab dobusar baleʃ naxaj

/vaʃna ʃəkam qatuk

کسی که خواب در سرش است بالش نمی‌خواهد و کسی که شکمش گرسنه

است خورشش نمی‌خواهد.

- «ای اقبال، ای اقبال، تو پیش دری مو دومبال، تو کم زنی مو غربال» / aj eqbal

/to piʃe dari mo dumbaə to kam zani mo qarbal

- ای بخت، ای بخت، تو پیش هستی و من به دنبال، تو غربال سوراخ درشت می زنی و من الک ریز (شکوه از اینکه گلیم بخت من سیاه است).
- «تا داریم هام زنیم نداریم تام» / ta darim ham zanim nədarim tam /
تا خوردنی داریم حمله می کنیم می خوریم، نداشته باشیم دم فرو می بندیم.

اراده محوری و نفی تقدیرگرایی

در این مثلها بر این امر تصریح شده است که انسان خود خالق شادی و غم است. انسانی که بدبین باشد و همه چیز را سیاه ببیند باید منتظر سیاهی و غم باشد و اگر نگاه مثبتی داشته باشد می تواند منتظر صحنه هایی زیبا از زندگی باشد و شادی و راحتی را برای خود رقم بزند. هر آنچه با آن روبرو هستیم ریشه در رفتار ما دارد نه ناشی از تقدیر و سرنوشت.

- «آدم خودش خودشه گول به سر کونه خودش خودشه خاک به سر» / adam

/xodeʃ xodeʃə gul bə sar kunə xodeʃ xodeʃə xak bəsar

آدمی خودش خودش را گُل به سر می کند، خودش خودش را خاک به سر

- «قندخوره قند پیش آی، غمخوره غم» / qandxure qand piʃ ajə

برای قندخور قند و شادی پیش می آید برای غمخور غم و ناراحتی.

- «هرچی بُونا چینه، هوتو سرا چینه» / hartʃi buna tʃine hutu sara tʃine

هر چه برنامه ریزی می کند پی ریزی می کند همانگونه به پایان می رسد.

- «خودا تی دیله بیده تی کاسه پلا دو کونه» / xuda ti dilə bidə ti kasə pəla

/dokunə

خدا دلت را دید در کاسه ات پلو ریخت.

- «امو داره موسون کلم از خودش داریم، نه گه غریبه امره سر ایسامنس» / amo

darə muson kalm az xodeʃ darim na gə qaribə amrə sar

/isamans

ما مثل درخت، کرم از خود داریم و گرنه غریبه و بیگانه به ما حاکم نمی شد.

۲-۱-۶. کار گروهی و مشارکتی

ایرانی انسانی است که متهم به تک‌روی و خودمداری است. بسیاری از پژوهشگران، این ویژگی منفی را از ویژگی‌های خاص جامعه ایرانی قلمداد کرده‌اند و معتقدند روحیه خودمدارانه و تک‌روی انسان ایرانی در ادبیات و فرهنگ شفاهی ما بازتاب پیدا کرده است. اما ضرب‌المثل‌های گیلکی که در این ادامه به آن اشاره می‌شود حاکی از وجود فرهنگ مشارکتی در جامعه و وجود نگرش مثبت به رفتارهای جمعی‌گرایانه و نگاه منفی نسبت به تک‌روی در حوزه کار است. موبوری (۲۰۰۹) کار گروهی را یکی از مؤلفه‌های فرهنگ کار مثبت معرفی می‌کند. لذا روحیه همکاری گروهی از ویژگی‌های فرهنگ کار مثبت دانسته شده و کسانی که چنین روحیه‌ای داشته باشند دارای فرهنگ کار خوب ارزیابی می‌شوند (عربی و شیخانی، ۱۳۸۹: ۱۵۱). مشارکت در اینجا به معنی به کار گرفتن منابع شخصی به منظور سهم شدن در یک اقدام جمعی (محسنی و جاراللهی، ۱۳۸۲: ۱۲) و پرهیز از تک‌روی و خودمداری است. در ۸،۴۵ درصد (۱۲ مورد) از ضرب‌المثل‌های گیلکی بر همیاری و همکاری با یکدیگر توصیه می‌شود. کار جمعی موجب رونق و افزایش بهره‌وری در کار خواهد شد و باعث می‌شود محصول بهتری به بار بیاید. همچنین هم بر لزوم دست‌گیری و همیاری همدیگر در کارها و پرهیز از تک‌روی تأکید شده است.

- «پیاده شیم، باهم بشیم» / pijadə ʃim ba ham beʃim/

پیاده برویم ولی با هم برویم .

- «ایتا دست صدا ناره» / ita das səda narə/

یک دست صدا ندارد.

- «با ایتا دس دو تا هیندوانه نشا اوسادن» / ba ita das do ta hindəvanə naʃa/

/usadan

با یک دست دو تا هندوانه نمی‌توان برداشت.

- «تی لو ی لو خیره بداره، زرده چومبوله ناوره» / ti lu j lu xabar bədarə/

/zardə tʃumbulʃ navarə

بوته تو از بوته من باخبر باشد، خیار و زردنبو کج و کوله نمی آورد. (اگر هوای همدیگر رو داشته باشیم سبز و باطراوت می مانیم)

- «دس دس شناسه» / das das šənasə /

محبت محبت می آورد.

«دس دسه شونه، هر دو دس و گردنه دوشونه» / das dasə šunə har do das /

vəgardunə do šunə / دست دست را می شوید هر دو دست رو را می شوید

یکی از سنت‌های قدیمی در جامعه گیلان سنت یاوری است که در آن همسایه‌ها یا قوم و خویش در هنگام کاشت یا برداشت برنج به یاری همدیگر می آمدند. در برخی ضرب‌المثل‌ها سنت کار جمعی و «یاوری» در برنجکاری در فرهنگ گیلانی‌ها بازتاب پیدا کرده است. «یاور» در سنت کشاورزی گیلان کسی است که در تعاون و همکاری دسته‌جمعی مشارکت دارد و هیچ مزدی بابت کار در مزرعه دریافت نمی‌کند (سبزعلیپور، ۱۳۹۴: ۲۰۲).

- «تو ویجین مه بوتی، مو دوواره ته هِنَم» / to vidžin mə buti mo duvarə tə /

/hanəm

تو برای ویجین من آمدی من نیز به ویجین تو می آیم.

- «پر یاور خبر کونه، پسر داره جاده» / pər javar xəbar kunə pəsar darə /

/dʒa dahə

پدر یاور خبر می‌کند پسر داس برنجکاری را پنهان می‌کند

در دو ضرب‌المثل نگرش منفی نسبت به کار جمعی و مشارکتی وجود دارد و بر خودمداری و تک‌روی تأکید شده است.

- «زن شریک بداری بهتره تا مال شریک» / zan šarik bədari bəhtarə ta /

/malə šarik

برای زن خود شریک داشته باشی بهتر است تا شریک در مال. در فرهنگ مثلها و اصطلاحات گیل دیلم در توضیح این مثل آمده است که شریک اگر خوب بود خدا هم برای خود می گرفت.

- «هر که به خوشی لعنت به دیگری شی» / harki be xoʃI lanat bæ digari ji/

هر کس به خوشی خودش لعنت به مال و خانواده دیگری

۲-۱-۷. عنصر زمان

از دیگر مؤلفه‌های مربوط به کار توجه به عنصر زمان است که در ۸,۴۵ درصد (۱۲ مورد) از ضرب المثل‌های گیلکی مشاهده می‌شود. در این مثل‌ها توصیه می‌شود که در کارها از شتابزدگی پرهیز شود و هر کاری باید در زمان مناسب خود انجام شود و در فرایند اجرا باید به ترتیب و مراحل انجام کار دقت داشت.

- «امروز بیده کسه، فرده دن نشنه» / emruz bida kasə/

امروز دیده را فردا نمی‌شود دید.

در فرهنگ عامه اتلاف وقت و استفاده نادرست و نسنجیده از زمان مورد نقد قرار می‌گیرد.

- «سک وقتی زمستون بونه گونه: بهار یه خونه‌ای چکونم گه. وختی بهار آنه گونه:

سک خونه سازه مگه؟» / sak vaqti zeməstun bunə qunə bahar ja/

/xunei tʃakunam gə vaxti bahar anə gunə sak xunə sazə magə

سگ وقتی زمستان می‌آید می‌گوید بهار خانه‌ای درست می‌کنم که . وقتی بهار

می‌آید می‌گوید سگ خانه می‌سازد مگر؟

در فرایند انجام کار باید زمان دقیق و مراحل کار توجه داشت و هر کاری در زمان

مشخص و مناسب خود به انجام برسد.

- «پالساله مورده پالسال ویگیرین ده» / palsalə moredə palsal vigin də/

مورد ارسال را پارسال باید گرفت. (هر چیزی برای خود وقتی دارد)

- «انجیل کفتنگم خوره وخت داره» / andzil kaftakam xorə vaxt darə/

انجیر پخته برای خود وقت دارد.

- «تازی یه وقته شکار دیرین گیره» / *tazi ja vaqtə ſekar dirin girə*

سگ را وقت شکار دستشویی می گیرد.

- «بیشناواسته شکمدار گل خوره اما نانه چی وقت» / *biſnavastə ſekamdar*

/gel xorə ama nane tʃi vaqt

شنیده زن شکمدار گل می خورد اما نمی داند چه وقت.

شتابزدگی و عجله در حین کار امر مطلوبی نیست و برای حصول نتیجه مطلوب در کار باید صبر داشت. صبر و حوصله در کار جهت رسیدن به نتیجه کار در زمان مشخص آن یکی از ویژگی های مثبت فرهنگ کار است.

- «چیزه خوب کم (دئر) به دست آیه» / *tʃizə xob dər bə dast ajə*

چیز خوب دیر به دست می آید

- «دل بدار گر باز دومه ورگه کونه» / *del bədar gar baz dumə varga*

/kunə

دل نگه دار (صبر کن) تا دسته بیل تخم زنی برگ کند و سبز شود.

گاه شتابزدگی در فرایند کار موجب می شود کار ناقص انجام شود و اهداف تعیین شده در کار تحقق نیابد.

- «تره گل مهر نبونه» / *tarə gel mohr nabunə*

گل تر مهر نمی شود.

۲-۱-۸. نظم و قاعده در کار

رعایت نظم و انضباط در کار از مؤلفه های مثبت فرهنگ کار به شمار می رود. در ضرب المثل های گیلکی نیز رعایت قواعد و نظم و انضباط در کار مورد ستایش قرار گرفته است. در ۷,۷۴ درصد (۱۱ مورد) از مثل ها بر لزوم توجه به قواعد حاکم بر کار و نظم و ترتیب و رعایت اندازه در کار تأکید می شود.

- «اولاغه اولاغه بارکونن قاطران قاطری ده» / ulagə ulagə barkunan
/gateran gateri də
الاغ را به اندازه الاغ بار می کنند قاطر را به اندازه قاطر
- «خانه قاضی گردو بسیاره اما به شماریه ، نه ددار» / xanə gazi gerdu besjarə
/ama bə ʃomarijə na dadar
خانه قاضی گردو فراوان است اما شماره دارد و بی حساب و کتاب نیست
- «بومه سرن خاسته بی بشی، سرایه لنگک لنگک» / bumə saran xastə bi baʃI
/sarajə ləng ləng
بالای بام هم خواسته باشی بروی، از نردبان پله پله می روند.
- «آسیابه وه نم نم دانه دن» / əsja bə van am nam danə dan
در آسیاب باید نم نم دانه ریخت.
- «نه سئخ بوسوزه نه کباب» / na six busuzə na kəbab
نه سیخ بسوزد نه کباب
- «ریشا دینه ایصلاح کونه» / riʃa dinə islah kunə
ریش را می بیند و اصلاح می کند (صفت کسی که کار را از روی تناسب انجام می دهد)
- در برخی مثل ها بی نظمی و عدم اهتمام به قواعد کار، مورد سرزنش قرار گرفته است:
- «ای واوده کار کونه» / i vavədə kar kunə
کار را نادرست و شلخته انجام می دهد.
- «اسبه ره خاش فوکونه، سگه ره واش» / asbə rə xaʃ fukunʃ sgʃ ra vaʃ
برای اسب استخوان می اندازد و برای سگ علف و یونجه.

۲-۱-۹. ثروت

از نگاه فاستر انگیزه بهتر ساختن وضع مالی و اقتصادی موجب تغییر رفتار و حرکت رو به جلو در فرد می شود. (فاستر، ۱۳۷۵: ۲۱۵) در جامعه ای که میل به کسب ثروت و سرمایه

وجود دارد انگیزه برای انجام کار و تلاش برای کسب روزی و پیشرفت وجود دارد. در ۴,۹۲ درصد (۷ مورد) ضرب المثل گیلکی بر نگاه مثبت به مقوله ثروت اشاره شده است. در این ضرب المثل‌ها همچنین فقر مورد نکوهش قرار گرفته است.

- «آدم بیج داره غم ناره» / *adam badʒ darə gam narə*

آدم برنج دارد غم ندارد

- «آدمه بی پول، کولکافیس» / *adamə bi pul kulkafisə*

- آدم بی پول کولکافیس^۲ است (و حرفش خریدار ندارد).

- «دولت دولته سرشون» / *dolat dolatə saʃun*

ثروت روی ثروت می آید

- «دولت دوهاره، نکبت خو» / *dolat duharə nəkbat xu*

- دولت شتاب می آورد (می دواند و به تکاپو وامی دارد)، نکبت و فقر، خواب.

۲-۱-۱۰. رضایتمندی در کار

داشتن انگیزه و رضایتمندی در کار تأثیر بسیار زیادی در افزایش میزان کارایی در حوزه کسب و کار دارد. هر قدر به نیازهای موجود در فرد بیشتر پاسخ داده شود و رضایت خاطر فرد فراهم شده باشد، انگیزه و تعهد کاری که از مؤلفه‌های مثبت فرهنگ کار هستند قوی‌تر خواهد شد (اکبری و اردشیری، ۱۳۸۱: ۱۸۵). توجه به مقوله رضایتمندی در کار از دیگر مؤلفه‌های فرهنگ کار است که در ۱,۴۰ درصد (۲ مورد) از ضرب المثل‌ها بازتاب پیدا کرده است.

- «دس دیله کاره نوکونه» / *das dilə karə nokunə*

^۲ . کولکاپیس هم به آن گفته می‌شود. پرنده کوچک بدآوازی است. گوشش را نمی‌خورند. می‌گویند بلبل هفت بجه آورد که یکی بلبل و بقیه کولکافیس شوند. کنایه از آدم‌های ابله، بی‌عرضه و بی‌مصرف (ر.ک فرهنگ گیل و دیلم).

دست، کار دل را نمی کند.

– «تازی یه که به زور شکار ببری واگرده خو صاحبه پاچه گاز گیره» /tazi ja kə bə

/zur ʃekar bəbari vagardə xu sahəbə patʃə gaz girə

سگ را اگر به زور به شکار ببری برمی گردد و پاچه صاحب خود را گاز می گیرد.

۳. نتیجه گیری

در این مقاله تلاش شد تا با رویکردی توصیفی تحلیلی به تصویر نسبتاً روشنی از چگونگی بازنمایی فرهنگ کار در فرهنگ شفاهی و ادبیات عامیانه گیلان دست یابیم. با نظر به رابطه میان فرهنگ و زبان و انعکاس ویژگی های فرهنگی جامعه در ادبیات عامه، بررسی ضرب المثل های گیلکی در نقطه تمرکز این مطالعه قرار گرفت. پس از خوانش مکرر ضرب المثل ها مقوله های کلان مربوط به فرهنگ کار استخراج گردید. ارزش کار و تلاش، توجه به تخصص و مهارت و تجربه، کار گروهی و مشارکت، فردگرایی و خوداتکایی، دوراندیشی و آینده نگری، توجه به زمان، نظم و قاعده در کار، ثروت، تقدیرگرایی از جمله مهمترین مؤلفه های مربوط به کار هستند که در ضرب المثل های گیلکی بازتاب پیدا کرده اند.

از میان مؤلفه های فرهنگ کار، مؤلفه اهمیت کار و تلاش (۲۶٪)، تخصص گرایی و مهارت محوری (۱۵٪)، آینده نگری و تعقل و دوراندیشی (۱۱٪) و فردگرایی و خوداتکایی (۱۰٪) از بیشترین بسامد محتوایی در ضرب المثلها برخوردار هستند. همچنین بررسی ضرب المثلها نشان می دهد نگرش مثبتی به مؤلفه مشارکت و کار گروهی (۸٪)، نظم و قاعده در کار (۸٪) وجود دارد. این مؤلفه ها با فرهنگ توسعه و کارآفرینی، سازگار است. یافته های بسیاری از پژوهش های قبلی غالباً بر ضعف فرهنگ کار در جامعه ایران و بازتاب نگرش منفی ایرانیان نسبت به آن در ادبیات عامه تأکید دارند و شخصیت و فرهنگ ایرانیان و برخی ویژگی های منفی مانند روحیه تنبلی و فقدان وجدان و مسئولیت پذیری در حوزه کار را مهم ترین موانع توسعه معرفی می کنند. این دست از مطالعات، تنبلی و ضعف فرهنگ کار در جامعه ایران را امری تاریخی معرفی می کنند. به طور مثال رضاقلی (۱۳۷۳) و

قاضی مرادی (۱۳۸۹)، تقدیرگرایی و نیز عدم فردگرایی جامعه ایرانی در طول تاریخ را یکی از موانع توسعه ایران می‌دانند. حال آنکه تمرکز بر فرهنگ عامه نشان می‌دهد در ضرب‌المثل‌های گیلکی فردگرایی مثبت مورد ستایش قرار گرفته است. نتایج این پژوهش نشان داد که در فرهنگ عامه گیلان بر لزوم رفتار جمعی و مشارکتی تأکید شده و تک‌روی و خودمداری مورد سرزنش قرار گرفته و نگرش منفی نسبت به عدم روحیه مشارکتی وجود دارد. تقدیرگرایی از جمله مؤلفه‌هایی است که با فرهنگ کار و کارآفرینی و توسعه همخوانی ندارد. برخی مثل‌های گیلکی حاکی از نگرش مثبت جامعه نسبت به تقدیرگرایی است. با وجود این از آنجا که بخشی از مثل‌های گیلکی دلالت بر نگرش منفی نسبت به تقدیرگرایی می‌کند نمی‌توان گفت تقدیرگرایی ویژگی حاکم بر فرهنگ کار در جامعه گیلانی است.

ضرب‌المثل‌ها تا اندازه‌ای می‌توانند نمایاننده ویژگی‌ها و ارزش‌های حاکم بر جامعه باشند. نتایج این پژوهش، یافته‌های پژوهش‌هایی را که به طور کلی و با نگاهی عام‌گرایانه بر ضعف فرهنگ کار در جامعه ایران تأکید دارند تأیید نمی‌کند. اگر چه نتایج این پژوهش بر برجسته بودن مؤلفه‌های مثبت مربوط به فرهنگ کار در گیلان دلالت دارد اما ممکن است بررسی دیگر عناصر ادبیات عامیانه در گیلان نتایج متفاوتی به دنبال داشته باشد. به نظر می‌رسد بررسی‌ها و تحقیقاتی مشابه در این زمینه متمرکز بر دیگر فرهنگ‌های محلی در ایران تصویر روشن‌تری از فرهنگ کار در جامعه ایران و چگونگی بازتاب آن در ادبیات عامیانه ارائه نماید. نتایج حاصله از این دست پژوهش‌ها می‌تواند به بخشی از پرسش‌های ما در چارچوب چگونگی فرهنگ عامه ایرانیان و ابعاد فرهنگ کار در جامعه ایرانی و نیز ارتباط آن با مقوله توسعه پاسخ دهد.

کتابنامه

الف. منابع فارسی

احمدی، سیروس. (۱۳۹۰). «بررسی رابطه شخصیت و فرهنگ کار»، **علوم اجتماعی** دانشگاه فردوسی مشهد. سال ۸، ش ۱. صص: ۱-۱۷.

ازکیا، مصطفی و سلیمان پاک سرشت. (۱۳۷۷). «فرهنگ توسعه در ادبیات کرد» **نامه علوم اجتماعی**. ش ۱۲. صص: ۲۵-۴۱.

اکبری، کرامت الله و مهرداد اردشیری. (۱۳۸۱). «بررسی عوامل مؤثر بر فرهنگ کار (مطالعه موردی کارکنان بخش دولتی استان کهگیلویه و بویراحمد)». **پژوهشنامه علوم انسانی**. ش ۳۵. صص: ۱۸۱-۲۱۰.

آزادارمکی، تقی و همکاران. (۱۳۹۲). «تحلیل کیفی نگرش توسعه‌ای در ادبیات عامیانه: با تأکید بر ضرب المثل‌های لری» **جامعه‌شناسی نهادهای اجتماعی**. شماره ۱. صص: ۹-۳۴.

پاکتچی، احمد. (۱۳۸۷). «الزامات زبان‌شناختی مطالعات میان رشته‌ای»، **فصلنامه مطالعات میان رشته‌ای علوم انسانی پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی**. سال اول. شماره ۱. صص: ۱۱۱-۱۳۵.

جعفری، مصطفی و محمد حبیبی. (۱۳۸۱). «فرهنگ کار». **تدبیر**. ش ۱۲۵. صص: ۷۰-۷۳.
دلاور، علی. (۱۳۹۵). **مبانی نظری و عملی پژوهش در علوم انسانی و اجتماعی**. تهران: رشد

دوپویی، گزایه. (۱۳۷۴). **فرهنگ و توسعه**. ترجمه فاطمه فراهان و عبدالحمید زرین قلم تهران: انتشارات کمیسیون ملی یونسکو در ایران.

ذوالفقاری، حسن. (۱۳۸۶). «هویت ایرانی و دینی در ضرب المثل‌های فارسی». **فصلنامه مطالعات ملی**. سال هشتم. شماره ۲. صص: ۲۷-۵۳.

رضاقلی، علی. (۱۳۷۳). **جامعه‌شناسی خودکامگی**. تهران: نشر نی.

روشه، گی. (۱۳۹۲). **تغییرات اجتماعی**. ترجمه منصور وثوقی. چاپ بیست و چهارم. تهران: نشر نی.

سبحانی نژاد، مهدی و رضا همایی. (۱۳۸۳). «میزان توجه به نگرش فرهنگ کار در کتابهای درسی دوره راهنمایی کشور». *دوماهنامه دانشور رفتار*. سال ۱۲. ش ۱۵. صص: ۱-۲۰.

سبزه‌علی‌پور، جهان‌دوست و سیده باقره باقری. (۱۳۹۶). «شعر شالیزار و تحلیل محتوای آن». *دوماهنامه فرهنگ و ادبیات عامه*. سال ۵، ش ۱۴. صص: ۱۱۷-۱۳۹.

سبزه‌علی‌پور، جهان‌دوست و رضا چراغی و رؤیا صفری. (۱۳۹۴). «واژه‌ها و اصطلاحات برنج و برنج کاری در گویش گیلکی». نامه فرهنگستان. زبان‌ها و گویش‌های ایرانی. شماره ۵. صص: ۱۷۴-۲۰۴.

سید نورانی، سید محمدرضا و رضا وفایی یگانه. (۱۳۸۹). «فرهنگ کارآفرینی». *ماهنامه مهندسی فرهنگی*. سال ۵. ش ۴۵-۴۶. صص: ۶۸-۷۵.

ظاهری عبدوند، ابراهیم. (۱۳۹۷). «بازنمایی فرهنگ کار و کارآفرینی در ضرب المثل‌های بختیاری». *دوماهنامه فرهنگ و ادبیات عامه*. سال ۶. شماره ۲۴. ۱۹-۴۵.

عربی، سید هادی و حمزه شیخیانی. (۱۳۸۹). «فرهنگ کار و نگرش‌های جوانان مطالعه مردی شهر قم»، *اسلام و علوم اجتماعی*. س ۲. ش ۴. صص: ۱۴۳-۱۶۴.

عزتی، فاطمه. (۱۳۹۱) «مؤلفه‌های سنتی کار در ادبیات شفاهی». *فرهنگ مردم ایران*. ش ۲۸. صص: ۴۵-۶۰.

فاستر، جرج. م. (۱۳۷۵). *جوامع سنتی و تغییر ساختی*. ترجمه مهری ثریا. تهران: مرکز پژوهش‌های بنیادی وزارت ارشاد.

فاضلی، فیروز و فرشته آلیانی. (۱۳۹۴). «تحلیل و معنایابی کارنواها در تالشی جنوبی»، *دوفصلنامه فرهنگ و ابیات عامه*. ویژه نامه آواها و نواها و اشعار عامه فرهنگ مردم ایران. سال ۳. ش ۷. صص: ۷۲-۹۹.

فخرایی، ابراهیم. (۱۳۹۴). *ضرب المثل‌ها و اصطلاحات گیلکی*. رشت: فرهنگ ایلیا.

فرهادی، مرتضی. (۱۳۸۸). *انسان‌شناسی یاریگری*. تهران: نشر ثالث.

- فیوضات و مجید حسینی نثار. (۱۳۸۳). «بررسی جایگاه کار و کوشش در شعر فارسی». **پژوهشنامه علوم انسانی**. شماره ۴۲-۴۱. صص: ۱۰۵-۱۳۰.
- فیوضات، ابراهیم و محمد مبارکی. (۱۳۸۷). «فرهنگ کار و سرمایه صنعتی در ادبیات ایران». **پژوهشنامه علوم انسانی**. ش ۵۷. صص: ۲۷۹-۳۱۶.
- فیوضات، ابراهیم. (۱۳۸۶). **نگرش ایرانیان به کار و صنعت**. تهران: پژوهشگاه هنر فرهنگ و ارتباطات.
- قاضی مرادی، حسن. (۱۳۸۹). **پیرامون خودمداری ایرانیان**. تهران: آمه.
- کدیور، جمیله. (۱۳۷۴). «اقتدارگرایی از منظر فرهنگ عامه»، **راهبرد**. پاییز، شماره ۸، صص: ۱۳-۴۴.
- کاوسی اسماعیل و فرزانه چاوش باشی. (۱۳۸۷). «فرهنگ و کارآفرینی سازمانی» در مجموعه مقالات فرهنگ و کارآفرینی. زیر نظر سید رضا صالحی امیری و همکاران، تهران: مجمع تشخیص مصلحت نظام، پژوهشکده تحقیقات استراتژیک.
- گیدنز، آنتونی. (۱۳۷۳). **جامعه‌شناسی**. ترجمه منوچهر صبوری. تهران: نشر نی.
- محسن تبریزی، علیرضا جزایری و محمد میرزایی. (۱۳۸۳). «سنجش میزان انگیزش به کار و عوامل مؤثر بر آن»، **جامعه‌شناسی ایران**. ش ۴. صص: ۳-۳۱.
- محسنی، منوچهر، و عذرا جاراللهی. (۱۳۸۲). **مشارکت اجتماعی در ایران**. تهران: آرون.
- مدیری، فاطمه و نادر مطیع حق‌شناس. (۱۳۹۶). «فرا تحلیل مطالعات انجام شده در زمینه فرهنگ کار در ایران». **فصلنامه جمعیت**. سال ۲۴. ش ۹۹-۱۰۰. صص: ۱۰۹-۱۲۸.
- معیدفر، سعید. (۱۳۸۵). اخلاق کار و عامل مؤثر بر آن در کارکنان ادارات دولتی. **رفاه اجتماعی**. سال ۶. ش ۲۳. صص: ۳۲۱-۳۴۱.
- موسوی بازرگانی، جلال. (۱۳۸۶). **مؤلفه‌های کارآفرینی**. تهران: رویش

ب. منابع لاتین

- Mowbray, Derek (2009). A Positive Work Culture for Wellbeing and Performance at Work, : www.mas.org.uk

References

- Ahmadi, S. (2011). Study of the relationship between personality and work culture, *Social Sciences*. 8(1),1-17.(In Persian)
- Ezkiya, M. and Pakseresht, S. (1998). Development Culture in Kurdish Literature, *Social Sciences Letter*. ۱۲, 25-41
- Akbari, K. & Ardashiri, M. (2002). Study of Factors Affecting Work Culture (Case Study of Public Sector Employees in Kohgiluyeh and Boyer-Ahmad Provinces). *Journal of Humanities*, 35, 181-210.
- Azadarmaki,T., Tarkarani, M., & Haghmadri, I. (2013). Qualitative analysis of developmental attitudes in popular literature: With emphasis on Lori's proverbs, *Sociology of social institutions*. 1, 9-34.
- Paktchi, A. (2008). Linguistic Requirements of Interdisciplinary Studies, *Interdisciplinary Studies in Humanities*, 1(1), 111-135.
- Jafari, M & Habibi, M. (2002). Work culture. *Tadbir*. (125),۷۰ -73.
- Delavar, A. (2016). *Theoretical and practical foundations of research in humanities and social sciences*. Tehran: Roshd
- Dupuis, X. (1995). *Culture and Development*. Translated by Fatemeh Farahan & Abdolhamid Zarrin Ghalam Tehran: Publications of the National Commission for UNESCO in Iran.(In Persian)
- Zolfaghari, H. (2007). Iranian and religious identity in Persian proverbs. *National Studies*, 8(2), 27-53.
- Rezaghili, A.(1994). *Sociology of authoritarianism*. Tehran: Ney Publishing.
- Roche, G. (2013). *Social change*. Translated by Mansour Vosoughi. Twenty-fourth edition. Tehran: Ney Publishing. (In Persian)
- Sobhani Nejad, M., & Homayi, R. (2004). The level of attention to the attitude of work culture in middle school textbooks. *Behavior Scholars*, 12(15), 1-20.
- Sabzalipour, J., & Bagheri, B. (2017). Rice poetry and its content analysis. *popular culture and literature*, 5(14), 117-139.

-
- Sabzalipour, J., & Cheraghi, R. and Safari, R. (2015). Words and expressions of rice and rice cultivation in Gilaki dialect. *Nameye Farhangestan, Iranian languages and dialects*, 5, 174-204.
- Nourani, M., & Vafaei, R. (2010). Entrepreneurial culture. *Cultural Engineering*, 5 (45-46), 68-75.
- Zaheri Abdvand, E. (2018). Representation of work culture and entrepreneurship in Bakhtiari proverbs. *popular culture and literature*, 6(24), 19-45.
- Arabi, H., & Sheikhi H. (2010). Work culture and attitudes of young people studying men in Qom. *Islam and social sciences*, 2(4), 143-164.
- Ezzati, F. (2012). Traditional components of work in oral literature. *Culture of the Iranian people*, (۲۸), 45-60.
- Foster, G. (1996). *Traditional societies and structural change*. Translated by Mehri Soraya. Tehran: Fundamental Research Center of the Ministry of Guidance. (In Persian)
- Fazeli, F., & Aliani, F. (2015). Analysis and semantics of carnavales in the southern endeavor. *Culture and popular verses, Special issue of sounds and melodies and popular poems of Iranian culture*. 3(7), 72-99.
- Fakhraee, E. (2015). *Gilaki proverbs and idioms*. Rasht: Ilia Culture.
- Farhadi, M. (2009). *The Anthropology of Assistance*. Tehran: Third Edition.
- Fayouzat, E., & Hosseiniesar, M. (2004). Study of the position of work and effort in Persian poetry. *Journal of Humanities*, (41-42), 105-130.
- Fayouzat, E., & Mubarak, M. (2008). Culture of labor and industrial capital in Iranian literature. *Journal of Humanities*, (57), 279-316.
- Fayouzat, E. (2007). *Iranians' Attitudes Towards Work and Industry*. Tehran: Art and Culture Research Institute.
- Ghazimoradi, H. (2010). *About the autonomy of Iranians*. Tehran: Ame.
- Kadivar, J. (1995). Authoritarianism from the Perspective of Popular Culture, *Rahbord*, (8), 13-44.
- Kavousi, E., & ChavoshBashi, F. (2008). Organizational Culture and Entrepreneurship in the collection of articles on *Culture and Entrepreneurship*. Under the supervision of Seyed Reza Salehi

-
- Amiri et al., Tehran: Expediency Discernment Assembly, Strategic Research Institute.
- Giddens, A. (1994). *Sociology*. Translated by Manouchehr Sabouri. Tehran: Ney Publishing. (In Persian)
 - Tabrizi, M. & Jazayeri, A. and Mirzaei, M. (2004). Measuring the level of motivation to work and the factors affecting it, *Sociology of Iran*, (4), 3-31.
 - Mohseni, M., & Jarollahi A. (2003). *Social participation in Iran*. Tehran: Arun.
 - Modiri, F., & Haghshenas N. (2017). Meta-analysis of studies conducted in the field of work culture in Iran. *Population*, 24(99-100), 109-128.
 - Moeidfar, S. (2006). Work ethic and its effective factor in government employees. *Social welfare*, 6(23), 321-341.
 - Mousavi Bazargani, J. (2007). *Entrepreneurship Components*, Tehran: Roush
 - Mowbray, D. (2009). *A Positive Work Culture for Well-being and Performance at Work*, www.mas.org.uk